

متن پرسش

سلام علیکم خدمت استاد طاهرزاده: اول سوالم رو اجمالا میگم بعد کمی توضیح می‌دهم. اجمالا: حضرت ابراهیم در چه راستایی و برای چه دنبال «أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ ۖ قَالَ أَوْلَمْ تُؤْمِنُ ۖ قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِن لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِي ۖ» بودند و می‌خواستند قلب ایشان نسبت به چه چیزی اطمینان پیدا کند معمولا از این آیه در مورد معاد جسمانی و... صحبت می‌شود ولی آیا صرفا این آیه می‌خواهد یک قضیه کلامی را به ما تذکر دهد؟ تفصیل: در ذهنم چنین آمد اگر مرگ همواره همراه ماست و تنها چیز روبروی ما هست و عالم غربی عالمی هست که ما را از مرگ غافل می‌کند خوب است به قضیه حضرت آدم و حضرت ابراهیم نگاهی دوباره کنیم که عالم غربی با در نظر گرفتن «مَا نَهَاكُمْ رَبُّكُمْ عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَتَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ» به روی انسان گشوده شد. و چرا حضرت ابراهیم دنبال «أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ ۖ قَالَ أَوْلَمْ تُؤْمِنُ ۖ قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِن لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِي ۖ» بودند؟ آیا قصه حضرت ابراهیم با عالم غرب ارتباطی دارد و ارتباط آن چیست؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بعد از آن که در آیه ۲۵۹ سوره بقره جریان حضرت عزیز را به میان آورد و این که آن حضرت پس از صدسال مجدداً زنده شدند تا به حیات پس از مرگ عالم گردند، جریان حضرت ابراهیم «علیه‌السلام» را به میان آورد که حضوری بود در راستای حضور خداوند در احیای مردگان، که حضوری بود فوق تجربه مردن و زنده شدن حضرت عزیز «علیه‌السلام». بلکه در این جا حضرت ابراهیم «علیه‌السلام» منور به اسم احیای «موتی» شدند تا خود آن حضرت در خودشان آن را تجربه کنند. آری! این نهایت حضور درک مرگ است تا انسان هم اکنون در وجود خودش معنای مرگ و زنده شدن حقیقی را تجربه کند. امری که جهان مدرن نه تنها از این نوع مرگ، بلکه از هرگونه مرگ آگاهی در غفلت است. موفق باشید